

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان و نقش آن در پیشرفت تاریخی ایران

نرگس شمس‌الدینی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در هر تمدنی بخش گسترده‌ای از اصول اعتقادی و جهان‌بینی در ارتباط با انسان تحول و تکامل یافته است. این اصول اعتقادی و جهان‌بینی، در رابطه با عوامل گوناگونی چون سطح بنیة اقتصادی، روش سیاسی حاکم بر جامعه و اصول قابل قبول جامعه و محیط زیست و فرهنگ و تمدن پدیدار می‌شود. اصول اعتقادی و سیره عملی و نظری پیامبر، شخصیت بزرگ مکتب اسلام، و معصومان در گسترش ساختار تمدن اسلامی- ایرانی اثر بسزایی داشته است (بیان مسئله). این پژوهش تلاشی در جهت بررسی سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان و نقش آن در پیشرفت تاریخی ایران می‌باشد. پرسش اصلی این پژوهش این است که نقش سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران چیست؟ فرضیه این پژوهش نقش اساسی و بی‌بدیل سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پایه‌گذاری این تمدن اسلامی- ایرانی عظیم است. به طوری که نهال این درخت تنومند با توان پیامبر اسلام کاشته شد و پایه‌های آن با هجرت پیامبر اسلام به شهر یثرب مستحکم گردید. تمدنی که فراسوی مرزهای حجاز را درنوردید و در شمار دین‌های جهانی قرار گرفت. همچنین استواری و شکوفایی این تمدن اسلامی - ایرانی مدیون موضع‌گیری‌ها و تدابیر و سیره نظری و عملی معصومان است که با صبر و فداکاری و موعظه و با شهادت و حتی اسارت خود توانستند تحرکی نوین به جامعه‌ی اسلامی بخشیده و آن را به پیش ببرند. در این پژوهش سعی بر آن است با هدف گسترش نقش سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران و با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از شیوه اسنادی و تاریخی به بررسی نقش سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران بپردازیم.

**واژگان کلیدی:** سیره، سیره نظری و عملی پیامبر اکرم، سیره نظری و عملی معصومان، تمدن، تمدن اسلامی- ایرانی.

### مقدمه

در هر تمدنی بخش گسترده‌ای از اصول اعتقادی و جهان‌بینی در ارتباط با انسان تحول و تکامل یافته است. این اصول اعتقادی و جهان‌بینی، در رابطه با عوامل گوناگونی از جمله بنیة اقتصادی، روش سیاسی حاکم بر جامعه و اصول قابل قبول جامعه و محیط زیست و فرهنگ و تمدن پدیدار می‌شود. بی‌تردید جهان‌بینی اسلامی و سیره عملی و نظری پیامبر اکرم شخصیت بزرگ مکتب اسلام و معصومان در گسترش ساختار تمدن اسلامی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

– ایرانی اثر بسزایی داشته است. یکی از منابع شناخت احکام، از نظر اسلام، سیره پیا مبراکرم و معصومان (ع) است، یعنی غیر از گفته هایشان سیره و روششان نیز منبعی برای شناخت است. همه معصومین (ع) با رفتارهایشان علیه دستگاه ظلم و ستم قیام کردند ولی مشکل مبارزاتی آنها با هم متفاوت بود. بنابر مقتضیات زمان، تفاوت‌هایی داشت. یکبار به صورت علنی و دست به شمشیر بردن مانند قیام امام حسین (ع) و یکبار به صورت غیر علنی (تقیه و صلح) مانند امام موسی (ع) و صلح امام حسن صورت می گیرد. حتی از نظر شیوه زندگی کردن هم تفاوت‌هایی دیده می شود، حضرت پیامبر و علی (ع) زندگی داشتند. ولی سایر ائمه مثلاً امام صادق (ع) عکس آن بزرگواران بود به ظاهر تناقض و تعارض دیده می شود قیام در مقابل سکوت و تقیه صلح، زهد در مقابل تجمل. همان طور که گفته شد، دوره هر معصومی به افتضای زمان فرق می کرد، در زمان پیامبر (ص) و علی (ع) چون مردم از نظر مالی ضعیف بودند در نتیجه پیشوای آنان نمی توانستند در ناز و تنعم باشند و می بایست مانند سایر مردم زندگی می کردند چون این از اصول عقیده شان بود. ولی در زمان معصوم دیگر مثلاً دوره امام صادق (ع) دقیقاً عکس آن دوره بود.

همچنین مساله قیام و سکوت هر کدام زمان و شرایط خاص خود را می طلبید پس این تعارضی است که خود اسلام به وجود آورده، یعنی روح زنده و سیال تعلیمان اسلامی آن را ایجاد می کند بنابر این تعارضها در واقع درس تعلیم است نه تعارض و تناقض، درس بسیار بزرگ و پر معنی و آموزنده ای است.

از سوی دیگر تمدن نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی درجولمع بشری است که شامل مجموعه ای از پدیده ها ی اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهان بینی مذهبی، اخلاقی، زیبا شناختی و هنر، امودفنی و علوم مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یادر چندین جامعه مرتبط با یکدیگراست.

در هر تمدنی بخش گسترده ای اصول اعتقادی و جهان بینی در ارتباط با انسان تحول و تکامل یافته است. این اصول اعتقادی و جهان بینی، در رابطه با عوامل گوناگونی چون سطح فرهنگ، بنیه اقتصادی، روش سیاسی حاکم بر جامعه و اصول قابل قبول جامعه و محیط زیست پدیدار می شود. بی تردید جهان بینی اسلامی و سیره عملی و نظری پیامبرشخصیت بزرگ این مکتب و معصومان در گسترش ساختار تمدن اسلامی – ایرانی اثر بسزایی داشته است.

بنابراین علی رغم تفاوت در رفتارها و سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در مبارزه با دشمنان، اما نقش اساس و بی بدیل سیره در پایه گذاری تمدن اسلامی – ایرانی عظیم است. به طوری که نهال این درخت تنومند تمدن اسلامی و ایرانی با توان پیامبر اسلام کاشته شد و پایه‌های آن با هجرت پیامبر اسلام به شهر یترب مستحکم گردید. تمدنی که فراسوی مرزهای حجاز درنوردید و در شمار دین های جهانی قرارگرفت. همچنین استواری و شکوفایی این تمدن اسلامی – ایرانی مدیون موضع گیری ها و تدابیر و سیره نظری و عملی

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی کی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

معصومان است که با صبر و فداکاری و موعظه و باشهادت و حتی اسارت خود توانستند تحرکی نوین به تمدن اسلامی - ایرانی بخشیده است و آن را به پیش ببرند.

ضرورت انجام پژوهش حاضر متأثر از اهمیت بی بدیل و اساسی نقش سیره نظری و عملی پیامبر در پایه گذاری تمدن اسلامی - ایرانی است. به طوری که قبلاً هم ذکر شد نهال این تمدن اسلامی - ایرانی با توان پیامبر اسلام کاشته شد و استواری و گسترش این تمدن اسلامی - ایرانی فراسوی مرزهای حجاز و جهان اسلام، مدیون موضع گیری ها و تدابیر و سیره نظری و عملی معصومان است.

این پژوهش کاوشی است در زمینه نقش سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران (تمدن اسلامی - ایران، ایران بعد از اسلام) و تلاشی است در جهت گسترش نقش سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران. از این رو در این پژوهش سعی بر این است، با نگاهی توصیفی و تحلیلی به موضوع و با استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه ای، نقش سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران بررسی شود و به این نکته پرداخته شود که آیا سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان در پیشرفت تاریخی ایران (تمدن اسلامی - ایرانی، ایران بعد از اسلام) نقش داشته است. نوآوری این پژوهش در این است که بیشتر مقالات و کتابهای موجود شیعه با زبان فارسی به صورت یکجانبه به بررسی سیره عملی پیامبر و ائمه معصوم پرداخته است و کمتر به بررسی نقش سیره عملی و نظری پیامبر در پیشرفت تاریخی ایران پرداخته است. در نتیجه نقش سیره عملی و نظری پیامبر و ائمه در پیشرفت تاریخی ایران نوآوری این پژوهش محسوب می شود.

### چارچوب نظری پژوهش:

از آن جایی که نهال تمدن اسلامی ایرانی با ورود پیامبر اسلام به شهر مدینه و توان پیامبر اسلام کاشته شد. در نتیجه سیره عملی و نظری پیامبر اکرم در تمام ابعاد زندگانی از حوزه اخلاق گرفته تا سیاست الگویی ائمه بعد از وی قرار گرفت. همانطور که قبلاً ذکر شد نهال این تمدن اسلامی ایرانی با توان پیامبر کاشته شد اما استواری و گسترش این تمدن فراسوی مرزهای جهان اسلام مدیون موضع گیری ها ائمه معصومان در شرایط متفاوت و پیاده کردن انواع رفتارها در موقعیت متناسب با آن می باشد. در نتیجه چارچوب این پژوهش سیره نبوی می باشد. که در ذیل پژوهش به سیره نبوی اشاره شده است.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تعریف مفاهیم: سیره، تمدن، تمدن اسلامی. تمدن اسلامی - ایران.

سیره: واژه شناسان معانی متعددی برای کلمه «سیره» ذکر کرده اند؛ مانند: روش، طریقه، سنت، سبک و نحوه انجام دادن کار، حرکت در روز، حرکت در شب و مطلق حرکت کردن و راه رفتن. سیره را مثل فطره بر وزن «فعله» گرفته اند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می کند.

تمدن: نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی درجولمع بشری است که شامل مجموعه ای از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهان بینی مذهبی، اخلاقی، زیبا شناختی و هنر، امودفنی و علوم مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یادر چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است.

تمدن اسلامی: فرهنگی است که فراتر از خواستگاه خود، مدینه النبی گسترش مکانی وزمانی یافته است و اجتماعات متعدد رادربرگرفته و از حیات اجتماعی آنها تاثیر پذیرفته و بر حیات اجتماعی آنها تاثیر گذارده است. تمدن اسلامی که از بعثت پیامبر اسلام (ص) و از سرزمین حجاز شروع شد، در کوتاه ترین زمان ممکن به گسترش چشم گیری نایل شد، به گونه ای که از ضلع غربی آن تا اندلس، اسپانیا، و پرتقال و کرانه های شرقی اقیانوس اطلس، از ضلع شرقی آن تا آسیای مرکزی، دیوارهای چین و سین کیانگ و از شمال تا بالمان و از جنوب تا کرانه های اقیانوس هند و آفریقای مرکزی گسترش یافت.

مسلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزه اسلامی به بسط علم، فلسفه، هنر و اخلاق و سیاست پرداختند، و از ویرانی های پیشین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه ریزی نمودند و به جهانیان عرضه داشتند، بغداد، قاهره، قرطبه به تناوب از مرکز ثقل این تمدن بودند. علوم و فنون جهان اسلام به اروپا سرایت کرد.

تمدن اسلامی - ایرانی: ورود اسلام به ایران، تمامی حوزه ها از جمله عرصه ی فرهنگ و تمدن را متحول ساخت و ظرفیت های علمی - فرهنگی ایرانیان را به فعلیت رساند.

مهم ترین موهبت اسلام به ایران، خداپرستی ایرانیان بعد از ورود اسلام بود. تاریخ سرزمین ایران از گذشته ی دور تا به حال همواره درگیر چالش های متعدد با سایر اقوام، فرهنگها، و تمدنها بوده است. ورود اسلام به ایران، فضای فرهنگی و تمدنی را به طوری متحول ساخت که ظرفیت های علمی و فرهنگی ایرانیان که تا پیش از این امکان بروز ظهور نداشت، به فعلیت رسید و چهره های بی شمار علمی و فرهنگی از جای جای ایران سر بر آورده شد و مبدل به نقش آفرینان عرصه ی فرهنگ و تمدن جهان اسلام گردیدند. به طور کلی ورود اسلام به ایران، اگرچه از منظر شرق شناسی یک تهاجم تلقی می گردد، ولی به واقع می بایست آن را به تعبیر «شهادت مطهری» یک انقلاب برای مردم ایران تلقی کرد. ظهور در اسلام در ایران برهم زنده ی نظم قدیم حاکم بود که در آن آزادی از ظلم و جور برای مردم ایران بود که تا پیش از آن به واسطه ی وجود نظام کاستی از ابتدایی ترین حقوق خود

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نیز محروم بودند. در این پژوهش منظور از تمدن اسلامی ایرانی، ورود اسلام به ایران، ایران بعد از اسلام می باشد. زیرا که افتخارات ایران بعد از اسلام در هیچ دوره ای از تاریخ ایران وجود نداشته است. و رشد پیشرفت های علمی - هنری و فرهنگی و حتی نظامی در ایران بعد از اسلام به ویژه در دوران دیلمی - سلجوقیان و صفویه به هیچ قابل مقایسه با ایران قبل از اسلام نیست، در این جا ایران بعد از اسلام مدنظر است.

### نگرشی کلی بر مفهوم سیره

#### تعریف سیره از لحاظ لغوی

واژه شناسان معانی متعددی برای کلمه «سیره» ذکر کرده اند؛ مانند: روش، طریقه، سنت، سبک و نحوه انجام دادن کار، حرکت در روز، حرکت در شب و مطلق حرکت کردن و راه رفتن. سیره را مثل فطره بر وزن «فعله» گرفته اند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می کند. چنان که سیره در قرآن معنا به کار رفته است: (سنعیدها سیرتها الاولى)؛ (طه، آیه ی ۲۱) ما آن (اژدها) را به حالت اولش (عصا) برمی گردانیم.

#### تعریف سیره در اصطلاح

به معانی متفاوتی به کار رفته و تعریف واحدی که مورد وفاق همه ی اندیشمندان باشد، تاکنون درباره ی آن وجود ندارد. برخی از سیره شناسان آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که برگرفته از مفهوم لغوی آن است. (المیزان، ج ۱۴: ۱۹۹) بعضی دیگر سیره را برابر با تاریخ و ثبت وقایع تاریخی قرار داده که دامنه وسیعی همانند تاریخ پیدا می کند. چنان که عرف تاریخ نویسان همین معنا را تأیید می کند و برداشت عمومی آنها از سیره، ذکر حوادث و سرگذشت افراد می باشد که سیره های تدوین یافته به وسیله آنان، گواه بر این امر است. هم چنین سیره را بر چگونگی رفتار انسان نیز اطلاق کرده اند که شامل همه ی فعالیت های فرد می شود.

#### انواع سیره نظری و عملی پیامبر اکرم و معصومان

سیره دارای انواع و اقسامی است که هر کدام در زمینه ی خاصی به کار می رود و در حوزه کاربرد خود، معتبر و تأثیرگذار است:

#### یکم: سیره فردی

سیره فردی به رفتارهایی اطلاق می شود که بیشتر جنبه شخصی دارد و ناظر به عملکرد فرد است، نه دیگران. به عبارت دیگر، منظور از سیره فردی رفتار و مشی است که هدف آن متوجه خود فرد است و اغلب به قصد خودسازی و تکامل روحی و معنوی فرد و یا جهت گذران زندگی صورت می گیرد؛ نظیر عبادات و یا کارهای معمول شبانه روزی. بنابراین، سیره فردی معصومین (علیهم السلام) قلمرو وسیعی پیدا می کند و همه ی فعالیت های فردی آنان را فرا می گیرد. ساده زیستی، نظم، انضباط و امثال اینها، در حوزه سیره فردی قرار

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

می گیرند.

### دوم: سیره اجتماعی

سیره اجتماعی در برابر سیره فردی قرار دارد و منظور از آن، رفتارهایی است که در ارتباط با دیگران انجام می گیرند و اگر فرد تنها باشد، به انجام آن اقدام نمی کند. تعاون و همکاری و حسن معاشرت را می توان در زمره سیره اجتماعی شمرد؛ چرا که همکاری در صورت وجود دیگران معنی پیدا می کند و اگر انسان تنها باشد، تعاون مصداق ندارد. حسن معاشرت یک پدیده اجتماعی است و تحقق آن حداقل به دو نفر وابسته است تا مفهوم هم زیستی محقق گردد.

### سوم) سیره اخلاقی و تربیتی

سیره در حوزه اخلاق و تربیت، با سیره در حیطه فردی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد. شاید با دید سطحی نتوان تفاوتی میان سیره فردی و اخلاقی و هم چنین میان سیره اجتماعی و تربیتی قائل شد و تفاوت آنها را به دست آورد؛ زیرا سیره اخلاقی تفاوت چندانی با سیره فردی ندارد و هر دو ناظر به رفتارهای شخصی انسان هستند. سیره اجتماعی هم تمایز قابل توجهی از سیره تربیتی نداشته و هر دو در ارتباط با دیگران شکل می گیرند و ظرف وجودی آنها، فضای اجتماعی است. تفاوت آنها در این است که سیره تربیتی به منظور دیگرسازی انجام می گیرد و سیره اجتماعی ممکن است چنین هدفی نداشته باشد. بدین ترتیب، اگر به مفهوم و کاربرد سیره در حوزه های مختلف دقت شود، تفاوت هایی هر چند جزئی میان آنها وجود دارد. سیره فردی نیز به یک اعتبار، اعم از سیره اخلاقی است؛ زیرا مفهوم اخلاق، متضمن ارزش است و وقتی از اخلاق سخن گفته می شود، یعنی کارهایی که ارزش مثبت دارند؛ از این رو، رفتارهای عادی مانند خوردن و آشامیدن یا رفتارهای غیراخلاقی را نمی توان در حوزه اخلاق داخل کرد، ولی در عین حال، رفتار فردی بر آنها صادق است. بر این اساس، سیره فردی، اعم از سیره اخلاقی است و منظور در این جا، بحث پیرامون سیره اخلاقی می باشد که بخشی از رفتارهای فردی را تشکیل می دهد. نکته قابل توجه آن که سیره فردی معصومین (علیهم السلام) از آن جهت که همراه با آداب و سنت های خاص است و اگر آن آداب و روش ها به خوبی تبیین گردد، جنبه آموزندگی و سازندگی خواهند داشت، سیره فردی آن بزرگواران هم مورد نظر خواهد بود. به عبارت دیگر، سیره فردی منتسب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، جنبه اخلاقی به خود می گیرد و و ارزشمند می شود. به عنوان نمونه، سیره فردی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شستن دست ها قبل و بعد از غذا، با این که یک رفتار فردی است، ولی قابل تأسی بوده و آثار بهداشتی و تربیتی فراوان دارد. بدین ترتیب، تفاوت سیره اجتماعی و تربیتی نیز روشن می گردد؛ زیرا سیره اجتماعی به رفتارهایی گفته می شود که تنها در عرصه ی اجتماع شکل گرفته و هدف تربیتی نداشته اند، اما سیره تربیتی،

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جنبه دیگرسازی دارد و منظور از آن، پرورش دیگران و نهادینه کردن ارزش‌ها در وجود آنها در قالب رفتارهای عینی است.

### چهارم: سیره قولی و فعلی

سیره قولی، به اطوار و احوال گفتار اطلاق می‌گردد و به آن سبک و روش گفتاری گفته می‌شود که بعضی افراد، به ویژه اهل سخن، دارای نوع خاصی در ایراد خطابه هستند. سیره فعلی هم، سبک و روش خاص انسان در عرصه‌ی فعل و عمل است که هر کس می‌تواند رفتار ویژه‌ای داشته باشد. ممکن است روش فردی در برخورد با مردم، شیوه‌ی مدارا و عفو و گذشت باشد و فردی دیگر خشونت و انتقام را شیوه‌ی رفتاری خویش قرار دهد.

در سیره معصومین (علیهم السلام) نیز این دو نوع سیره، قابل بازیابی است و برای هر یک نمونه‌های فراوانی می‌توان از گفتار و رفتار ایشان به دست آورد. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ی سی و یکم نهج البلاغه ضمن ارائه دستورات تربیتی به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام)، ۱۱ بار کلمه «یا بنی» (ای فرزندانم) را به کار برده و این امر، نشان دهنده سیره قولی ایشان در زمینه‌ی سخن گفتن با فرزند و راهنمایی کردن اوست. احترام ایشان به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، بوسیدن، در آغوش گرفتن و نوازش کردن آنان، بیانگر سیره فعلی آن حضرت نسبت به فرزند می‌باشد

### پنجم: سیره عقلایی (بنای عقلا)

سیره عقلا نیز از اقسام سیره است که در فقه کاربرد زیاد دارد و در علم اصول مورد بحث قرار می‌گیرد. نفس سیره عقلا در بحث اخلاق و تربیت نقش چندانی ندارد و منظور از ذکر آن در این جا، اطلاع و اشاره به تمام انواع سیره است. سیره عقلا از همه‌ی انواع سیره، عام‌تر است و اختصاص به مسلمان و غیر مسلمان ندارد، بلکه همه‌ی عاقلان جهان را شامل می‌شود.

### ششم: سیره مستشرعه (شرعی)

رفتار پیروان یک شریعت بر عمل یا ترک یک کار، به سیره مستشرعه تعبیر می‌شود. هرچند این اصطلاح عمومیت دارد و به همه‌ی شرایع اطلاق می‌گردد، ولی در مباحث فقه و اصول، به شریعت اسلام انصراف دارد. وقتی گفته می‌شود سیره مستشرعه، سیره مسلمانان منظور است، نه سیره پیروان ادیان دیگر. تفاوتی میان سیره مستشرعه، شرعی و اسلامی وجود ندارد و منظور از هر سه اصطلاح، موافقت مسلمانان بر انجام یا ترک کاری است. سیره مستشرعه، اخص از سیره عقلا است و به بحث اخلاق و تربیت ارتباط چندانی ندارد. (مقاله سیره

معصومین، سایت راسخون، ۱۳۹۱)

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ویژگی های سیره پیامبر اکرم و معصومان

#### ۱: منشأ الهی

یکی از خصوصیات سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) آن است که رفتار آن بزرگواران بر اساس خواست و اراده خداوند شکل گرفته است؛ به گونه ای که همه ی گفتار و رفتار آنان، مستند به وحی الهی هستند و در این حوزه قابل تفسیر و تبیین می باشند. ریز و درشت عمل ایشان، منطبق با دستورات خداوند است و کوچکترین کاری بر خلاف احکام الهی انجام نداده اند. خداوند درباره ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی)؛ [پیامبر (صلی الله علیه و آله)] هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید. آن چه می گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده، نیست. در جای دیگر نیز می فرماید: (ان اتبع الا ما یوحی الی)؛ تنها از آن چه به من وحی می شود، پیروی می کنم. این بیان عام است و اختصاص به آیات قرآن و گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ندارد، بلکه همه ی عملکردهای آن حضرت را شامل می شود؛ یعنی تمامی سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) که به عنوان احادیث نبوی معروف اند و همه ی رفتار آن حضرت که به سنت و سیره تعبیر می شوند، طبق وحی الهی صادر گشته اند. (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۸۱). پیامبر (صلی الله علیه و آله) هر چه کرد، از وحی آسمانی سرچشمه گرفته بود، آن را عمل نمود. (همان، ج ۵، ص ۲۴۸) چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جواب اعتراض جمعی از اصحاب به دلیل بستن درهای خانه هایشان به سوی مسجد، فرمود: ای مردم! من درها را نبستم و نگشودم و من شما را از مسجد بیرون نکردم؛ (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۸۱) بلکه آن چه انجام دادم وحی الهی و فرمان خدا بود. بر این اساس، نه تنها سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر طبق وحی است، که اعمال و کردار او که سیره عملی آن حضرت را تشکیل می دهند نیز چنین است. پس از اثبات عصمت اهل بیت (علیهم السلام) و این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را هم پای قرآن معرفی کرده است، تردیدی باقی نمی ماند که گفتار و رفتار آن بزرگواران، ریشه در کلام الهی دارد؛ یعنی هر عملی که در زندگی از آنان سرزده هماهنگ با قرآن کریم و اراده خدای متعال بوده است.

#### ۲. محتوای عمیق:

ویژگی دوم سیره معصومین (علیهم السلام) آن است که رفتار آنان همانند گفتارشان دارای محتوای ژرف و عمیق است. کلام و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فرموده آن حضرت، «جامع کلمه هاست» که می تواند با یک سخن و رفتار کوچک، یک دنیا مطلب را بیان کند. همچنین سیره سایر معصومین (علیهم السلام) که هم پای سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند و ارتباط مستقیم با قرآن کریم دارند، دارای عمق و ژرفای عمیقند. شهید مطهری در این زمینه می گوید: «رفتار معصومین (علیهم السلام) مثل گفتارشان دارای عمق



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

است و نیاز به تبیین دارد؛ یعنی رفتار معصوم (علیهم السلام) معنی و مفهوم ژرف و بلند دارد و باید در آن تأمل کرد تا عمق رفتار آنان را فهمید. اگر سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) به خوبی فهمیده شود و تجزیه و تحلیل گردد، می توان از کوچکترین رفتار آنان، مهم ترین قوانین اسلامی را استخراج کرد؛ چرا که یک کار کوچک ایشان به مثابه یک چراغ و یک نورافکن قوی برای انسان است تا مسافت های بسیار دور، نورافشانی می کند». (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۴).

اگر کسی این پرسش را مطرح کند که چگونه محتوای عمیق داشتن با رفتار که صرفاً حرکات ظاهری است، قابل جمع می باشد، پاسخ روشن است؛ زیرا مشاهده می کنیم که با گذشت قرن ها، هنوز هم سیره امامان معصوم (علیهم السلام) نیاز به تفسیر و تبیین دارد و هنوز زوایای پنهان آن برای فرهیختگان و دانشمندان روشن نشده است. سیره علی بن ابی طالب (علیهم السلام) در زمان حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله) با رفتار او پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سیره امام حسن مجتبی (علیهم السلام) که حاضر به صلح با معاویه شد و سیره امام حسین (علیه السلام) که به هیچ وجه سازش با یزید را نپذیرفت و قیام عاشورا را رقم زد، نمونه هایی از رفتار این بزرگان هستند که با نوشتن صدها کتاب در این زمینه، هنوز هم ابعاد زیادی از سیره آن بزرگواران را به خوبی کشف نکرده اند و از این جاست که می توان به عمق و ژرفایی سیره معصومین (علیهم السلام) پی برد.

### ۳: تفسیر و تبیین

قرآن همان گونه که گفته شد، سیره معصومین (علیهم السلام) برخاسته از اراده خدا و مطابق با قرآن کریم است؛ از این رو شناخت صحیح سیره آنان، به فهم قرآن کمک می کند. به خصوص سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که بسیاری از اسباب و شأن نزول های آیات قرآن را تشکیل می دهد و درک معنای واقعی آنان قرآن را آسان می گرداند. به عنوان نمونه، زمانی که آیه وجوب نماز، (واقم الصلاه لذكری)؛ (طه، آیه ۱۴) و نماز را برای یاد من به پادار، نازل شد، مردم شیوه ی نماز خواندن را نمی دانستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «صلوا كما رأیتمونی أصلی؛ این گونه که من نماز می گذارم، نماز به جای آورید». هم چنین سیره امام علی (علیه السلام) در برخی موارد، شأن نزول آیات قرآن را بازگو می کند؛ چنان که مفسران گفته اند شأن نزول آیه (و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رءوف بالعباد)؛ رفتار علی (علیه السلام) در «لیله المبيت» بوده است که در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوابید». (المیزان، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰) مفسران عقیده دارند که برخی از آیات سوره «انسان» درباره نذر علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) است که طعام خود را سه روز پشت سرهم به هنگام افطار، به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند. (المیزان، ج ۲، ص ۱۳۲) بنابراین، سیره و رفتار

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

معصومین (علیهم السلام) مفسر و بیانگر قرآن کریم است و با شناخت آن می توان به حقیقت مفاهیم قرآن بهتر پی برد و معنای واقعی کلام خداوند را فهمید.

### ۴: ارائه ارزش های اسلامی

سیره معصومین (علیهم السلام) در واقع تجسم عملی ارزش های اسلامی و کاربست آن در عمل و رفتار فردی و اجتماعی است. عملکرد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) تجلی دستورات و احکام اسلام است که در قالب عمل و رفتار عینی در معرض دید علاقه مندان به ارزش های دینی قرار گرفته است. آن چه در باب خصوصیات سیره آن بزرگواران ذکر شد، این مطلب را به اثبات می رساند که گفتار و رفتار آنان، تبلور عینی معارف اسلامی است که در قرآن کریم وجود دارند. اگر انسان به رفتار آن اولیای الهی توجه کند، افزون بر شناخت ارزش ها، نحوه عملیاتی کردن آنها را نیز به دست خواهد آورد؛ چرا که معصومین (علیهم السلام) بر تربیت عملی، بیش از تربیت زبانی تأکید داشتند و همواره مردم را با رفتارشان به خوبی ها دعوت می کردند. امام صادق (علیهم السلام) به دیگران توصیه می کردند؛ «کونوا دعاه الناس بأعمالکم ولا تکنوا دعاه بالسننکم؛ (بحار الانور، ج ۵، ص ۱۹۸) با کردار و رفتارشان مردم را به حق دعوت کنید؛ نه فقط با زبانتان».

### ۵: جامعیت و شمول

از ویژگی های مهم سیره معصومین (علیهم السلام) جامعیت و فراگیری دامنه آن است. سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) همه ی شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان را پوشش می دهد و هیچ گوشه ای از زوایای حیات آدمی، بیرون از دامنه سیره قرار نمی گیرد. جامعیت، غیر از عمیق بودن است؛ زیرا عمق، وصف عمودی و جامعیت، صفتی پنهانی است که گستره سیره را نشان می دهد. بر اساس این ویژگی، ابعاد مختلف زندگی انسان اعم از بعد دینی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و امثال آن، مشمول سیره است و در هر زمینه می توان شواهدی از سیره اخلاقی و تربیتی آن بزرگواران به دست آورد و به علاقمندان عرضه داشت. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «لقد کان فی رسول الله (صلی الله علیه و آله) کاف لک فی الاسوه و دلیل للک علی ذم الدنیا و عیبها و کثره مخازیها و مساویها؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰) برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را اطاعت نمایی تا راهنمای خوبی در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن برای تو باشد».

علی (علیه السلام) در این گفتار، شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان الگوی جامع زندگی معرفی کرده و تأسی به سیره آن حضرت را در شناخت بدی ها و خوبی های دنیا و همه ی شئون زندگی کافی دانسته است؛ یعنی وجود رسول الله (صلی الله علیه و آله) برای آموختن ارزش های دینی و انسانی کافی است و نیاز به الگوهای دیگر ندارد. شخصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یک الگوی همیشه زنده و جاوید است که در

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

طول تاریخ، یگانه رهبر و پیشوای همه ی بشریت، به ویژه مسلمانان بوده و هست و اکنون نیز به عنوان یک سرمشق ماندگار و اسوه حسنه، فراتر از محدودیت های زمان و مکان می درخشد. شخصیت آن بزرگوار، منحصر به زمان خاصی نبوده و نیست، بلکه یک حقیقت فرازمان و جاودانی است که برای هر نسلی مطابق با واقعیت های زندگی آنان، تبلور پیدا می کند. سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) به اقیانوس بی کرانی می ماند که مملو از خوبی ها و فضایل انسانی است و هر کس می تواند به اندازه استعداد و توان خود، از آن منبع جوشان کمالات الهی توشه ای برگیرد. اهل بیت (علیهم السلام) نیز مانند آن حضرت، شعاع وجودی شان به قدری گسترده و فراگیر است که در ظرف زمان و مکان نمی گنجد و برای همه ی بشریت، الگوهای شایسته و نیکو هستند.

### نگرشی کلی بر مفهوم تمدن

#### الف. معنای لغوی تمدن

کلمه «تمدن» در زبان عربی از «مدن» اخذ شده است که به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است. این کلمه ترجمه «Civilization» است که از کلمه لاتینی «Civilis»، متعلق به کلمه «vivis» یعنی «شارمند» مشتق شده است (ویل دورانت، ۱۳۶۸: ۲۵۶). یونانی های باستان با این کلمه نشان می دادند که شهر را مجموعه ای از نهادها و روابط اجتماعی می دانند که شکل برتری از زندگی است. در فرهنگ های فارسی نیز «تمدن» به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن آمده است (محمد معین، ۱۳۷۱: ۱۱۳۹). اگرچه، هم در زبان شرقی و هم در زبان لاتین، انتساب به شهر و شهرنشینی ملاک تمدن است، اما باید توجه داشت که تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده است. در واقع، شهرنشینی معلول تمدن بوده است، نه علت آن. بر اساس گفته جان برنال، شهر جزو تمدن است، نه اینکه شهرنشینی، تمدن را به وجود آورده باشد. ویل دورانت نیز معتقد است: «تنها تمدن است که انسان را به فکر ایجاد مدینه و شهری اندازد. از یک لحاظ، تمدن با سنجیه و خصلت مؤدب بودن و حسن معاشرت یکی می شود، و این حس معاشرت، خود صفای اخلاقی است که در شهر دست می دهد.» (ویل دورانت، ۱۳۶۸: ۵).

#### ب. معنای اصطلاحی تمدن

برای «تمدن»، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. پیش از ارائه بعضی از این تعاریف، این نکته را باید در نظر داشت که «تمدن» مفهومی بدیع و نسبتاً جدید است و در طول سده های اخیر، دچار تحوّل مفهومی نیز شده است. با وجود این، با در نظر داشتن نکته مزبور، این واژه از منظر بعضی از اندیشمندان مغرب زمین و گروهی از متفکران مسلمان مورد بررسی قرار می گیرد:

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

**ویل دورانت** «تمدن» را این گونه تعریف می‌کند: «تمدن نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه‌دارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند.»

**ساموئل هانتینگتون** «تمدن» را بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

**هنری لوکاس** «تمدن» را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد.

از نظر **آرنولد توین بی**، «تمدن» حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است، یعنی در جامعه، طبقه ممتازی وجود دارد که واجد نبوغ و ابتکار و نوآوری است و در اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید. **متفکران مسلمان** نیز تعاریف خاص خود را از «تمدن» دارند. ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر ابن خلدون، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حایز «مدنیّت» است. علامه محمدتقی جعفری «تمدن» را این گونه تعریف می‌کند: «تمدن تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است.»

در جمع بندی کلی تعاریف ارائه شده، می‌توان این گونه گفت: «تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. تمدن خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاه راه نهادینه شده امور اجتماعی و یا به قول ابن خلدون، عمران یافتن است.» (ولایتی، ۱۳۸۲: ۳۲)

### عوامل مؤثر در ایجاد و اعتلای تمدن‌ها

در به وجود آمدن و اعتلای یک تمدن، عوامل و عناصر گوناگونی دخالت دارد. از نظر **ویل دورانت**، در تمدن چهار رکن و عنصر اصلی می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (عروتی موفق، ۱۳۸۵: ۳۵). ویل دورانت معتقد است: ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ چرا که فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خود را تسلیم غریزه ای می کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می دهد. ابن خلدون برای ایجاد تمدن هفت عامل را مؤثر می داند: ۱. دولت و رهبر؛ ۲. قانون دینی یا عرفی؛ ۳. اخلاق؛ ۴. کار؛ ۵. صنعت؛ ۶. جمعیت؛ ۷. ثروت. از نظر ابن خلدون می توان سه عنصر اول را عناصر اصلی و مهم تر از چهار عنصر دیگر دانست. با توجه به آراء و نظرات گوناگون، می توان به عناصر ذیل در به وجود آمدن تمدن ها اشاره نمود: 1. امنیت و آرام ۲. همبستگی ملی که ابن خلدون از آن با واژه «عصبیت» یاد کرده است. این مفهوم در واقع، روح اصلی هر تمدنی است؛ عاملی که انگیزه لازم را فراهم می آورد و تعاون و همکاری گروهی مشخص و هدفمند را شکل می دهد. ۳. همکاری و تعاون ۴. اخلاق ۵. تحمل، بردباری و صبوری در برابر اندیشه های مختلف (منظور تحمل و درک دیگران است، نه لاقیدی و بی تفاوتی). ۶. حفظ وحدت و یکپارچگی و عدم انفکاک و تجزیه طلبی ۷. دین ۸. رفاه نسبی (ولایتی، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۴).

### نمونه هایی از سیره پیامبر اکرم

#### ۱. ایجاد امنیت و آرامش

تمدن اسلامی از دعوت در مکه آغاز شد و با تشکیل حکومت در مدینه پا گرفت؛ یعنی مکانی که حکومت اسلامی با شهرنشینی همراه شد. در سال هایی که مسلمانان در مکه بودند، قریش با کوشش فراوان، مردم را از گرویدن به اسلام باز می داشت و مشرکان مکه از آزار نومسلمانان دریغ نمی کردند. محاصره اقتصادی بنی هاشم در شعب «ابی طالب» و وفات حضرت خدیجه (علیها السلام) و ابوطالب، که جزو پشتیبانان قوی پیامبر و مسلمانان بودند، امنیت و آرامش را از مسلمانان سلب نموده بود، در حالی که پیامبر برای پایه ریزی تمدن عظیم اسلامی، نیازمند مکانی امن و آرام بود. به همین دلیل، پیامبر سفری را به طائف کرد تا بتواند محیطی امن و همراه با آرامش برای مسلمانان تحت فشار بیابد، ولی متأسفانه سفر به طائف ثمربخش نبود و بزرگان شهر دعوت ایشان را نپذیرفتند و حتی اوباش و مردم نادان را برانگیختند تا به دنبال پیامبر راه بیفتند و ایشان را برانند. (عروتی موفق، ۱۳۸۵: ۳۶).

#### ۲. اخلاق

یکی از شاخصه های پراهمیت در پیشرفت اسلام اخلاق نیک و کلام دلاویز و پرجاذبه پیامبر با انسانها بود. در قرآن کریم به نقش اخلاق پیامبر در پیشرفت اسلام و جذب دل ها تصریح شده است. (برگرفته از مقاله اشتهااری، پایگاه مقاومت دانشگاه محقق اردبیلی). درباره نظام اخلاقی، که اسلام ارائه داده و نبی مکرم (صلی الله علیه وآله) نیز مطابق آیه کریمه (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (احزاب: ۲۱)، نمونه عینی و تربیت یافته آن نظام اخلاقی است.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۳. تقویت روحیه صبر، تحمل و بردباری

ویژگی دیگری که برای رشد و شکوفایی تمدن‌ها ذکر شده، وجود روحیه تحمل و بردباری است. عنصر «صبر» یکی از مفاهیم و واژه‌های مورد تأکید در قرآن کریم است. این واژه با مشتقاتش بیش از ۱۰۰ بار در قرآن کریم تکرار شده است. در آیات متعددی، به پیامبر امر شده است که در برابر امور گوناگون صبر و بردباری داشته باشد؛ از جمله می‌فرماید: (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ) (احقاف: ۳۵)؛ (وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ) (مدثر: ۷)؛ (اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ)؛ (فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ) (قلم: ۴۸)؛ (فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ) (غافر: ۷۷).

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در اداره امور و هدایت مردم بیشترین بردباری و شکیبایی را داشت. ابن شهر آشوب از قول اهل علم و تاریخ آورده است: پیامبر (صلی الله علیه وآله) بردبارترین مردم بود. و آن حضرت، خود می‌فرمود: برانگیخته شده ام که مرکز بردباری و معدن دانش و مسکن شکیبایی باشم.

### ۴. ایجاد وحدت

ویژگی دیگری که می‌تواند در مسیر پیدایش تمدن‌ها مؤثر واقع شود، وحدت و یکپارچگی است که از زمان آغاز دعوت پیامبر، مورد توجه اسلام بود. قرآن کریم در آیات متعددی، مسلمانان را به اتحاد دعوت می‌کند. قرآن با محور قرار دادن «توحید»، همه را به ارتباط با خدا یا اعتصام به حبل الله فرامی‌خواند: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (آل عمران: ۱۰۳) پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) توانست در مدت زمانی کوتاه، به وسیله اسلام صلح و صفا را در میان قبایلی که بیش از یکصد سال جنگ و خون‌ریزی و اختلاف در میان آنها جریان داشت، ایجاد کند و با اتحاد آنها جبهه نیرومندی در مدینه به وجود آورد.

### ۵. دین و تمدن‌سازی

دین جایگاه و نقش ویژه و برتری در فرایندسازی، به خود اختصاص داده است. این موضوع پذیرفته شده است که هیچ فرهنگ و تمدنی نزد هیچ قومی یافت نمی‌شود، مگر آنکه در آن فرهنگ و تمدن، شکلی از مذهب وجود داشته باشد. نقش دین را در شکل‌گیری تمدن، از دو جنبه می‌توان مورد توجه قرار داد: نخست اینکه هدایت الهی به وسیله استعدادهای فطری انسان‌ها را شکوفا می‌کند و با ایجاد دگرگونی در اندیشه و روح انسان، سنت‌ها و نظام‌های کهنه و دست و پاگیر را از بین می‌برد و نظامی پویا و زنده تشکیل می‌دهد. در پرتو چنین تحوّل، زندگی اقتصادی انسان بهبود یافته، استعدادهای علمی، فنی، هنری و ادبی او شکوفا می‌شود. از سوی دیگر، دین، زمینه همبستگی یا به تعبیر ابن خلدون، «عصبیت» را فراهم می‌کند. به زعم ابن خلدون، بین عصبیت و دین رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. (همان: ۴۰).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۶- رفتار با زنان

رسول اکرم (ص) با آیات قرآن و سیره عملی خویش، عکس العمل مناسبی را در عصر جاهلیت از خود بروز دادند و به بانوان، شخصیت و حیات تازه ای بخشیدند و فرمودند: از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: زن و عطر و نماز که نور چشم من است.

امام صادق (ع) درباره سیره آن حضرت می فرماید: «و کان رسول الله یسلّم علی النساء و یرتّون علیه السلام؛ (۳) خط مشی رسول خدا (ص) این گونه بود که به زنان سلام می داد و آنان نیز پاسخ می دادند.» رسول اکرم (ص) بارها به اصحابش می فرمودند: «الا خیرکم خیرکم لنسائه و انا خیرکم لنسائی؛ آگاه باشید بهترین شما کسانی اند که با زن ها نیکو رفتار باشند و من برای زن هایم بهترین شما می باشم.» و در حدیثی دیگر فرمودند: «انسان با شخصیت، زنش را محترم می شمارد ولی آدم پست آن را بی مقدار می داند.» (جامع السعادات، ج ۲: ۱۳۹).

از علائم خوش رفتاری آن حضرت با همسرانش این بود که در محیط خانه کار می کرد، لباس و کفش خود را می دوخت، گوسفند و شتر را می دوشید و در گرفتاری های خانوادگی آنان را یاری می کرد. گاهی که خدمت گزار خانه خسته می شد شخصاً گندم و جو را دستداس می کرد (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷: ۷۳).

### ۷- زندگی زاهدانه و متواضعانه

آن بزرگوار روی زمین غذا می خورد و مانند بندگان می نشست. هر کس دعوتش می کرد می پذیرفت، چه عبد و فقیر بود و چه ثروت مند و غنی، همواره دسته جمعی غذا میل می کردند و در هیچ کجا دیده نشد که پیامبر اجازه بدهد نیم خورده او را برای شفا بردارند، در حالت تکیه غذا نمی خوردند، سیر نشده از سر سفره بر می خاستند و خدا را حمد و سپاس می کردند.

### ۸- مشورت با یاران

آن حضرت در امور مهم نظامی با اصحابش مشورت و نظرخواهی می کرد و در آزاد کردن بعضی از بستگانش، رضایت مجاهدان را می طلبید. در جنگ «بدر» و «احد» شورای نظامی تشکیل داد و از فکر و نظر یارانش استفاده نمود، این در حالی بود که آنها عاشق فرمان بری از او بودند. این شیوه را بعضی از خلفای راشدین نیز بعد از آن حضرت پی گرفتند و با حضرت علی (ع) به شور می پرداختند، هر چند در برخی امور که با قدرتشان منافات داشت، آن را ترک می کردند.

### ۹- ایمان خالص

برخی از مردم خدا را با تردید می پرستند؛ یعنی آن گونه نیست که به تمام جهات و در هر حالی و موقعیتی که قرار دارند، خداپرست باشند، بلکه بسیاری از آنان برای دنیا و رسیدن به آمال مادی، خدا را پرستش می کنند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اگر خیری به آنها برسد خدای را سپاس می گزارند و دلشان آرام می گیرد، اما همین قدر که امتحان و آزمایش شوند و ضرری متوجه آنان گردد به آن پشت می کنند (حج: آیه ۱۱).

اما سیره پیامبر از ایمان همه جانبه اش به خدا مایه می گیرد و در تمام احوال خدا را می پرستد، چه آن گاه که در شعب ابوطالب در محاصره دشمن و بایکوت اقتصادی قرار دارد و گرسنگی بچه ها، به ویژه فاطمه (س) جگر او را می سوزاند و چه آن زمان که در اوج قدرت بود؛ در هر حال، در نهایت اشتیاق، خدای را سپاس می گوید و ذره ای از ایمانش به او کم نمی شود.

### ۱۰- دوستی و مدارا با مردم

رسول معظم (ص) مطابق جهان بینی اسلامی، بندگان خدا را مظهر آیات الهی می دانست و آنان را بسیار دوست می داشت و بر سعادت و هدایت آنها حریص بود. سختی های زندگی مادی و ضلالت و گمراهی قومش برای وی غم انگیز و مصیبت بار بود. به همین دلیل وقتی یک یهودی به دروغ ادعای طلب کاری می کند و او را از حرکت باز می دارد و عمامه اش را به گردن وی می پیچاند، آن حضرت عکس العمل خشونت باری نشان نمی دهد و اصحابش را نیز از تعرض به وی نهی می نماید و همین مهربانی، آن یهودی را شرم سار می کند به طوری که بی اختیار شهادتین را می گوید (یادداشت های شهید مطهری، ۱۳۸۵: ج ۹).

امام سجاد (ع) در خطابه شورانگیز شام می فرماید: من فرزند آن رادمردی هستم که وقتی مردم پابرنه بودند او هم پابرنه راه می رفت و هنگامی که آنان کفش پوش شدند او هم نعلین برای خود انتخاب نمود.

وقتی در مکه و طائف پیشانی او را شکستند، پیامبر (ص) به جای نفرین، آنان را دعا کرد و فرمود: «بار پروردگارا! قوم من لیاقت دارند و نمی فهمند، آنان را هدایت فرما». در جنگ احد پیشانی اش را شکستند، از مکه اخراجش کردند، ولی پس از فتح مکه، از ابوسفیان ها گذشت و فرمود: «انتم الطلقاء؛ شما آزاد هستید».

از شعب ابوطالب که آزاد شد باز هم به سراغ مردم رفت و آنان را به اسلام دعوت کرد، چرا که او طبیب دل سوزی بود که به سراغ مریض هایش می رفت و به درمان آنان می پرداخت. اینها همه نشان دهنده شرح صدر و اوج مهربانی کسی است که هیچ گاه کینه کسی را به دل نگرفت و هیچ کسی را از خود نرنجاند.

به قول امام راحل (ره) «در شدت شفقت و رأفت آن بزرگوار بر همه عاقله بشری همین بس که قرآن در آیات اول سوره شعراء می فرماید: «لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین» (شعراء: آیه ۳). ای رسول ما! تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که می خواهی جان عزیزت را از غم ایمان نیاوردن آنان هلاک سازی».

### ۱۱- عبادت و استغفار

درباره عبادت آن حضرت از طرق مختلف نقل شده است که چون وقت نماز می رسید چنان منقلب می شد که گویا از مدت ها قبل منتظر فرا رسیدن چنین وقتی بوده و در این حال نه او کسی را می شناخت و نه کسی او



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

را. (مستدرک الوسائل، کتاب الصلوة: باب ۳، حدیث ۱۷). به راستی همان گونه که خود بارها فرمود، نور چشمش در نماز و روزه بود: «قره عینی فی الصلوة و الصیام». (همان: ۲۷۸).

تقید به نماز و روزه یک حقیقت عملی و نظری برای آن حضرت محسوب می شد. روزی به ابوذر غفاری فرمود: ای اباذر! خداوند متعال نماز را محبوب دل من ساخته است، همان گونه که غذا را محبوب دل گرسنگان و آب را مطلوب تشنگان قرار داده است؛ ولی گرسنه و تشنه از غذا و آب سیر می شوند اما من هرگز از نماز سیر نمی شوم. (وسائل شیعہ، ج ۷: ۳۰۴، ۳۰۷). سنت رسول خدا (ص) در عبادت چنان بود که هر ماه سه روز را روزه می گرفت: ۱ - پنج شنبه اول ماه که روز عرضه اعمال است؛ ۲ - چهارشنبه اول از دهه دوم ماه که روز نحس مستمر و نزول عذاب است؛ ۳ - پنج شنبه آخر ماه از دهه آخر که مجدداً روز عرضه اعمال می باشد.

سیره دائمی رسول خدا (ص) در دعا این بود که هر روز هفتاد مرتبه استغفار می کرد و هفتاد بار توبه می نمود: «کان رسول الله یستغفر الله فی کل یوم سبعین مره و یتوب الی الله سبعین مره». (اصول کافی: ج ۲: ۵۰۵). هرگاه از سفر بر می گشت ابتدا وارد مسجد می شد و دو رکعت نماز اقامه می کرد و سپس وارد خانه می شد. (همان).

### ۱۲. آسان گیر در فروع و قاطع در اصول

پیامبر (ص) در فروع زندگی آسان گیر بود، با کسی قهر نمی کرد و خطای دیگران را می بخشید. ولی در اصول قاطع بود؛ در اجرای عدالت، آن جا که حیثیت اسلام در خطر بود و در امور سیاسی مردم و مسائل حکومتی، اهل مسامحه نبود. آن حضرت می فرماید: اگر کسی صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. (همان، ج ۳: ۲۳۸).

### ۱۳ - جنگ برای خدا و پیشبرد اسلام

امام راحل (ره) درباره سیره نبوی پیامبر (ص) در جنگ می فرمودند: «رسول اکرم مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از میان ببرند یا مشرکین جزیره العرب را نابود کنند، مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآن باشد. چون کفار گاهی مانع بودند از این که حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، منتهی به جنگ می شد... به طوری که اگر معارض با این نبود معلوم نبود جنگی پیش بیاید.» (صحیفه امام، ج ۸: ۴۱).

بنابر این هدف از جنگ ها، رفع موانع تبلیغ دین بود. در یکی از اعزام ها به حضرت علی (ع) فرمود: سعی کن مشرکان را هدایت کنی، کشتن کار مطلوبی نیست. اگر یک نفر به دست تو هدایت شود بهتر است از آن چه که آفتاب بر آن می تابد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۱۴- استقامت در سختی ها

قیام برای خدا و استقامت در میدان جنگ و سختی ها، از سیره های عملی پیامبر (ص) بود و این استقامت، ریشه در ایمان خالص و عاشقانه او به خدای متعال داشت. خداوند در سوره هود به او و تبعیت کنندگانش امر می کند که در مأموریت خویش ثابت قدم باشند [و از هیچ چیزی جز خدا نهراسند]: «فاستقم كما امرت و من تاب معك».

استقامت رسول خدا و همراهان او بسیار طاقت فرسا و سنگین بود، گاهی با یک عدد خرما هفت نفر تغذیه می کردند. آن حضرت برای مبارزه با گرسنگی بارها سنگ بر شکم می بست. آری، تسلای مداوم اصحاب در مقابل آوارگی ها، توطئه ها، شایعات منافقین و خیانت برخی از مسلمان نماها، همگی صبر و استقامت بسیار می طلبید و پیامبر (ص) سرآمد استقامت کنندگان بود.

### ۱۵- میهمان نوازی

مقداد بن اسود می گوید: من به اتفاق دو تن از دوستانم نزد برخی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) مراجعه کردیم و گفتیم: ما مسافر و خسته ایم، ما را به میهمانی بپذیرید. هیچ کدام از آنها قبول نکردند. در نهایت محضر رسول خدا (ص) شرف یاب شدیم و ماجرا را عرضه داشتیم. بلافاصله ما را به یکی از خانه هایش برد که سه ماده بز آن جا نگه داری می شد، فرمود: شیر آنها را بدوشید و میل کنید (۲۰).

### ۱۶- عدالت گستری

در بیان عدالت رسول اسلام (ص) گفته اند که ایشان به اندازه ای در اجرای عدالت، دقیق و متعهد بود که حتی نگاهش را در میان اصحاب و مردم تقسیم می کرد. با این که بر قاضی محکمه، نگاه عادلانه به طرفین دعوا لازم است، لیکن پیامبر اکرم (ص) که بر پا دارنده عدالت و قسط اسلامی است، نگاهش را نیز عادلانه بین مردم توزیع می فرمودند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۷).

### ۱۷- ایثار و از خودگذشتگی

حضرت رسول (ص) در جنگ ها و سختی ها خود و اهل بیتش را بر سایر رزمندگان مقدم می داشت؛ چنان که حضرت علی (ع) در یکی از نامه هایش به معاویه می نویسد: «هر گاه آتش جنگ زبانه می کشید و دشمنان هجوم می آوردند، اهل بیت خود را پیش می فرستادند تا به وسیله آنان اصحابش را از سوزش شمشیرها و نیزه ها حفظ فرمایند؛ چنان که عبیده بن حارث در جنگ بدر و حمزه در احد و جعفر در موده شهید شدند. آن بزرگوار هرگز از مقام و موقعیت خود استفاده نمی کرد بلکه محرومیت را برای خود و خانواده هایش می خرید تا مردم در آسایش باشند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۱۸- تواضع

ابوذر غفاری نقل می کند: رسول خدا (ص) میان اصحاب می نشست و گاهی که فردی غریب و ناشناس می آمد و آن حضرت را نمی شناخت از جمع می پرسید: محمد کدام یک از شماست. آن بزرگوار همواره در میان اصحابش حلقه وار می نشست تا امتیازی پیدا نکند، می فرمود: «ان الله یکره من عبده ان یراه متمیزاً بین اصحابه» (بحارالانوار، ج ۱۶: ۲۳۶). خداوند کراهت دارد از آن بنده ای که خود را برجسته تر از اصحابش بنگرد. آن حضرت در مسجدسازی و حفر خندق در میدان جنگ، شخصاً شرکت می کرد، احدی از بستگان اسیر خود را بدون اجازه رزمندگان و گذشت صاحبان حق، آزاد نمی کرد. داستان اسارت شوهر دخترش زینب و هم چنین خواهر رضاعی اش دختر حلیمه، شاهد گویایی بر این حقیقت است. هرگز به مردم وعده های کذایی نمی داد، همواره قانون مدار و منظم و منضبط بود و دیگران را نیز به آن تشویق می کرد.

این موارد و نمونه های بسیاری دیگر از سیره عملی پیامبر عظیم الشان (ص) که بیان نشد، فراتر از آن چیزی است که این مقال بتواند آن را به تمام و کمال بازگو کند. اما همین بس که محمد (ص) اسوه کامل و حسنه اخلاق و نمونه عملی و عینی بنده خالص خداست که مؤمنان خداجو باید او را سرمشق دین و دنیای خود قرار دهند تا سعادت ابدی را نصیب خویش گردانند

### نگرشی کلی بر سیره ائمه معصوم در پیشرفت تاریخی تاریخی ایران

سیره عملی و نظری معصومان نیز در شناخت احکام از نظر اسلام نقش داشته است، یعنی غیر از گفته هایشان سیره و روششان نیز منبعی برای شناخت است. همه معصومین (ع) با رفتارهایشان علیه دستگاه ظلم و ستم قیام کردند ولی مشکل مبارزاتی آنها با هم متفاوت بود. بنابر مقتضیات زمان، تفاوتی داشت. یکبار به صورت علنی و دست به شمشیر بردن مانند قیام امام حسین (ع) و یکبار به صورت غیر علنی (تقیه و صلح) مانند امام موسی (ع) و صلح امام حسن صورت می گیرد. حتی از نظر شیوه زندگی کردن هم تفاوت هایی دیده می شود، حضرت پیامبر و علی (ع) زندگی داشتند. ولی سایر ائمه مثلاً امام صادق (ع) عکس آن بزرگواران بود به ظاهر تناقص و تعارض دیده می شود قیام در مقابل سکوت و تقیه صلح، زهد در مقابل تجمل. همان طور که گفته شد، دوره هر معصومی به افتضای زمان فرق می کرد، در زمان پیامبر (ص) و علی (ع) چون مردم از نظر مالی ضعیف بودند در نتیجه پیشوای آنان نمی توانستند در ناز و تنعم باشند و می بایست مانند سایر مردم زندگی می کردند چون این از اصول عقیده شان بود. ولی در زمان معصوم دیگر مثلاً دوره امام صادق (ع) دقیقاً عکس آن دوره بود. از همین شیوه مبارزاتی معصومان در برابر دشمنان و موضع گیری ها آنها می توان به نقش سیره آنها در پیشرفت تاریخی ایران و تمدن اسلامی پی برد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### جاذبه و دافعه علی (ع)

شخصیت عظیم امیرالمومنین (ع) و سיעتر و متنوع و از آن است که یک فرد بتواند در همه نواحی آن وارد شود. یکی از جوانب وجود حضرت علی (ع) ناحیه تأثیر او بر روی انسانها به شکل مثبت و منفی است که از آن به «جاذبه و دافعه» تعبیر می کنند. جاذبه و دافعه بودن از نکته های بزرگ در سیرت علی (ع) است که به شرح آن می پردازیم.

### نیروی جاذبه علی (ع)

دعوت هایی که در میان بشر پدید آمد، همه یکسان نبوده اند، بعضی یک بُعدی و بعضی دو بُعدی و بعضی سه بُعدی بوده اند. جاذبه ها نیز این چنین اند؛ گاهی یک بُعدی و گاهی دو بُعدی و گاهی سه بُعدی اند و جاذبه علی (ع) از قسم اخیر است که هم سطح وسیعی از مردم را مجذوب خود کرده هم مختص به یکی دو قرن نیست و آنچنان در ژرفای دلها پیش رفته که قرنهای بعد از وی دشمنان نیز تحت نفوذ عظمت او واقع گشته است و اشکشان جاری شده است. این نیروی علی به خاطر پیوند او با خداست و گرنه در تاریخ قهرمانهای بسیاری سراغ داریم که کم کم از یاد رفته اند، ولی می بینیم علی (ع) بعد از مرگش زنده و زنده تر شد. از بزرگ ترین امتیازات شیعه بر سایر مذاهب این است که پایه وزیر بنای اصلی آن شیعه بر محبت است از زمان پیامبر (ص) گروهی را کنار علی (ع) می بینیم که عاشق و مجذوب اویند، تا آن جا که در بحار الانوار آمده که حضرت رسول (ص) فرمود (والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته هم الفائزون یوم القیامة). وی تجسم حقیقت است، پس مقیاس و میزانی برای سنجش فطرتها و سرشتهها می باشد خود آن حضرت می فرماید: اگر بینی که با شمشیرم مومنی را می زخم که با من دشمن شود، هرگز دشمنی نخواهد کرد و اگر همه دنیا بر سر منافق بریزم که دوستم بدارد، هرگز مرا دوست نخواهد داشت (بحار الانوار، ج ۳۸: ۵).

. پس از این جهت عشق یک عامل بزرگ اخلاقی و ترتیبی است به شرط اینکه خوب هدایت شود. این عشق ممیز بین انسان و حیوان است (عشق معقول)، عشق فضایل و خوبیها و شیفتگیها در برابر جمال حقیقت. این عشق در آیات قرآن با واژه «محبت» یا «مودت» در اقسام مختلفی بیان شده است، مانند عشق مومنین به خدا «والذین آمنوا اشد حبا لله (بقره ۱۶۵)»، عشق خدا به مومنین «ان الله یحب المتقین» (توبه ۴)، «دوستی های دو جانبه بین خدا و مومنین «یا تئی الله بقوم یحبهم و یحبونہ»، (مائده ۵۴)» و یا بین خود مومنین «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا» (مریم ۹۶)». حتی در روایات هست که روح و جوهر دین چیزی جز محبت نیست و اساساً علاقه محبت است که اطاعت را به دنبال می آورد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### نیروی دافعه علی (ع)

علی (ع) همیشه هم جاذبه داشته و هم دافعه، ولی دوران خلافت حضرت و همچنین دوره های بعد از وفاتش، یعنی دوران ظهور تاریخی علی، دوره تجلی بیشتر جاذبه و دافعه اوست. علی (ع) مردی دشمن ساز بود و این یکی دیگر از افتخارات بزرگ وی می باشد، چرا که هر آدم مسلک داری که مصداق «یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومَه لائم»\* باشد، چنین است. ناکثین (اصحاب جمل)، قاسطین (اصحاب صفین) و مارقین (اصحاب نهروان)، ناکثین پول پرستان و طماعان بودند که سخنان حضرت در مورد عدل بیشتر متوجه آنهاست. روح قاسطین روح سیاست همراه با تقلب و نفاق بود و می کوشیدند تا زمام حکومت را بدست گیرند. عده ای پیشنهاد مصالحه با آنان را به علی دادند، ولی امام (ع) نپذیرفت، زیرا او آمده بود تا با ظلم مبارزه کند، نه اینکه ظلم را امضا نماید پس روح مارقین روح عصبیتهای ناروا و خشک مقدسیها و جهالتهای خطر ناک بود. علی (ع) با هر سه دسته مبارزه می کرد و ما بحث خود را معطوف به گروه آخر می کنیم. زیرا اگر چه امروزه این گروه به صورت یک مکتب وجود ندارد، ولی افکارشان در بسیاری از مسلمین نفوذ کرده است و این افکار مزاحمتی سخت برای پیشرفت مسلمین می باشد

### صلح امام حسن (ع)

مسئله ای که از قدیم الایام مطرح بوده این است که چه شد امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد، برخی گفته اند امام حسن (ع) و امام حسین (ع) دو روحیه مختلف داشتند، یکی صلح طلب و دیگری طبعاً جنگ طلب بوده است. در حالی که حقیقت چنین نیست، و اختلاف عمل آنها در شرایط مختلف است. شرایطی که مصلحت صلح را ایجاب می کند. عبارت اند از: کمتر بودن قدرت مسلمین و صبر برای کسب قدرت یا اینکه صلح نقشه ای است برای جلب یک پشتیبانی، یا در مدت صلح امید آن است که طرف مقابل، اسلام آورد. توجیه صلح صدر اسلام، کم بودن قدرت مسلمین است شرایط زمان امام حسن و امام حسین (ع) چنان است که اگر هر یک به جای دیگری باشد، همان کاری را می کند، که دیگری انجام داده بود بعد از این توضیحات بحث اصلی ما درباره تفاوتهای شرایط زمان امام حسن و امام حسین (ع) است که به برخی از آنها اشاره می شود. اولین تفاوت اینکه امام حسن (ع) در مسند خلافت بود و معاویه به عنوان یک طاغی قیام کرده بود و عمل خود را توجیه اسلامی می کرد و خود را به عنوان یک معترض به حکومتی که بر حق نیست معرفی می کرد و تا آن زمان هم ادعای خلافت نمی کرد. کشته شدن امام حسن (ع) در این شرایط به معنای کشته شدن خلیفه مسلمین و شکست مرکز خلافت بود ولی امام حسین (ع) بک معترض بود، در برابر حکومت موجود پس بالعکس هم بودند دومین تفاوت اینکه درست است امام حسن (ع) می توانست لشگر انبوهی را در

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

برابر لشکر معاویه فراهم آورد و در برابر آنها مقاومت کند - هر چند نیروهای کوفه ضعیف شده بود. ولی در نهایت نتیجه مانند صفین می شد که تا سر حد شکست بردند و آن نیرنگ صورت گرفت و کار بی نتیجه ماند در اینجا هم اگر جنگ صورت می گرفت - بین امام حسن و معاویه - نتیجه آن کشته شدن چندین هزار نفر از دو طرف، خستگی دو طرف مغلوبیت امام حسن (ع) و کشته شدن در مسند خلافت بود. اما امام حسین جمعیت هفتاد و دو نفر دارد، و حتی به آنها می گوید که بروید من خودم تنها هستم. آنها ایستادگی می کنند، تا کشته می شود یک کشته شدن صد افتخار آمیز امام حسن و امام حسین (ع) در سایر شرایط نیز خیلی با یکدیگر فرق داشتند. سه عامل اساسی در قیام امام حسین دخالت داشته است. مفاد صلح امام حسن (ع)، عبارت است از: حکومت به معاویه واگذار شود. ۱. به شرط عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و سیره خلفای صالح. ۲. معاویه حق تعیین جانشین ندارد. ۳. معاویه باید لعن علی (ع) را متوقف کند و از او جز نیکی یاد نکند [چون این لعن را رسم کرده بود] - ۴. معاویه باید سالانه دو میلیون درهم برای امام حسن (ع) بفرستد آن حضرت می خواست و از این طریق نیاز شیعیان را از دستگاه حکومت معاویه رفع کند. ۵. نباید در مورد مردم تبعیض وجود داشته باشد و مردم در هر گوشه از زمینهای خدا باید درمان و امان باشد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۵۱-۷۰ و ۷۴-۹۱).

### حماسه حسینی

حماسه، یعنی شدت و صلابت و شجاعت. شخصیتها و نهضتها نیز اقسامی دارند که یکی از آنها از آنها شخصیت و نهضت حماسی است. می خواهیم اثبات کنیم که امام حسین (ع) و سرگذشت او باید یک احساس حماسی در ما ایجاد نماید، نه یک احساس مصیبت و نفله شدن. او یک شخصیت حماسی است، اما نه حماسه قومیت، بلکه حماسه بشریت. سخنش، عملش، حادثه اش و همه چیزش هیجان و تحریک است، القای نیروی اسلام است. حماسه حسین همان حادثه عاشورا است که دو صفحه دارد: یکی سفید و نورانی و دیگر سیاه و ظلمانی، که هر دو صفحه اش یا بی نظیر است یا کم نظیر. صفحه سیاه این حادثه مملو است از خیانت کشتن عده ای بی گناه، حتی طفل شیرخوار، آب ندادن به تشنگان... قهرمانان حادثه در این نگاه و در این صفحه، یزید و شمر و عمر سعد عبید... بن زیاد می باشند. در اینجا بشریت سر افکنده است و برای آن شعری جز رثا و مصیبت سزاوار نیست. اما این حادثه صفحه دیگری هم دارد که قهرمانان آن حسین (ع) است آنچه در این صفحه می گذرد، حماسه و افتخار نورانیت است. تجلی حقیقت و انسانیت و حق پرستی است. صحنه کربلا را می توان تشبیه به یک نمایشگاه کرد، ولی نه نمایشگاه علم و صنعت، بلکه نمایشگاه معنویت و معرفت. در این نمایشگاه انسان می تواند به عظمت قدرت اخلاقی و روحی، فداکاری، حق خواهی و حق پرستی بشر پی ببرد. معنای صبر، و رضا و شجاعت و مروت را درک کند کربلابیش از آن که نمایشگاه

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شقاوت و بدی و ظهور پلیدی باشد ، نمایشگاه روحانیت و معنویت و اخلاق عالی است .از جمله اینکه منافع اجتماع در نظر بود نه فردی بر اساس بینش و درک قوی بود و نهضتش تک بود که مانند برق در ظلمات درخشید و مانند ندایی در سکوت مطلق بلند شد روان شناسان می گویند : شخصیت هر کس یک کلید معین دارد که اگر آن را پیدا کنید ، سراسر زندگی او را می توانید توجیه کنید . کلید شخصیت امام حسین (ع) ، حماسه است . شور و عظمت و صلابت است. حماسه او ، عامل شخصیت یافتن جامعه اسلامی است . چرا که با حرکتش و قیامش روح مردم را زنده کرد ، ترس را ریخت و احساس عبودیت و بردگی را به زایل نمود شخصیت دادن به یک ملت به این است که به آن ها عشق و ایده آلهایشان را به یادشان آورد سید الشهداء (ع) به مردم ، درس غیرت و تحمل داد و این چنین یک عده ترسو را به مردم شجاع ، مبدل ساخت، این هیجان و تحرک را کسی جز حسین (ع) ایجاد نکرد. پس مرثیه ما باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس حماسی و قهرمانی حسین (ع) را در وجود ما تحریک و احیا کند . او یک الگوی بزرگ اسلام است و باید برای ما نیز الگوی امر به معروف و نهی از منکر اقامه نماز و احیای اسلام باشد پس این چیزی سوای از احساس و مصیبت و نفله شدن است . به نظر می رسد ؛ می فرماید : «وَأَسِيرِبِسْرَةٍ جِدِّي وَأَبِي» ممکن است کسی بگوید : همان گفتن امر به معروف و نهی از منکر کافی بود ، مگر سیره جد و پدرش غیر از این بود باید گفت ، بله غیر از دوره حکومت علی (ع) در دوران دیگر خلفا و حکام ، سیره پیامبر (ص) تغییر کرده بود و امام حسین (ع) می خواست سیره پیامبر (ص) زنده شود ، نه سیره کس دیگری. یکی از بزرگترین آثار قیام حسین این بود که قیام علیه خلفا را از قیام علیه اسلام تفکیک کرد.

### امام زین العابدین علیه السلام

امام زین العابدین (ع) قهرمان معنویت [ اسلام به معنویت اسلام یعنی حقیقت اسلام است ] و از فلسفه های وجودی ایشان این است که وقتی انسان خاندان پیغمبر (ع) را می نگرد که حقیقت اسلام تا چه حد در آنها نفوذ داشته است ، به صحت این دین معتقد تر می شود نمازهایشان واقعاً پرواز روح به سوی خدا بود و کاملاً از دنیا غافل می شدند .

ایشان پیک محبت بود ؛ هر جا فقیر یا غریبی می دید او را نوازش می کرد . برای ایشان فرصتها مثل فرصت امام حسین یا امام صادق (ع) پیش نیامد ، اما حضرت ، با گریه ، یاد قیام سیدالشهدا، را زنده نگاه می داشت و با دعاضامین اسلام را به دیگران معرفی می فرمود . (مطهری، ۱۳۸۴ : ۹۹-۱۰۳).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### امام صادق (ع) و مسأله خلافت

امام صادق (ع) شیخ الائمه است، از همه ائمه دیگر عمر بیشتری نصیب ایشان شد شصت پنج ساله بود، از دنیا رحلت فرمود. در زمان امام صادق خلافت از دودمان اموی به دودمان عباسی منتقل شدو عباسیان از بنی هاشمند و عمو زادگان علویین محسوب می شدند.

. آن چیزی که بهتر و مفید تر بود در زمان امام صادق رهبری یک نهضت علمی و فکری و تربیتی بود که اثر آن تا امروز هست و این جاست که در نوع قیام ها و جهاد ها امر به معروف و نهی از منکر ها و سکوت و تقیه ها باید به اثر و نتیجه آنها نسبت به موقعیت زمان فکر کرد. امام صادق (ع) در عصر وزمانی واقع شد که علاوه بر حوادث سیاسی، یک سلسله حوادث اجتماعی و پیچیدگیهای فکری و روحی پیدا شده بود. لازمتر این بود که امام صادق (ع) جهاد خود را در این جبهه آغاز کند از یک طرف زد و خورد امویها و عباسیها فترتی به وجود آورد و مانع بیان حقایق را تا حدی از بین برد، و از طرف دیگر در میان مسلمانان یک شعر و هیجان برای فهمیدن و تحقیق پیدا شد؛ لازم بود شخصی مثل امام صادق (ع) این جبهه را رهبری کند و بساط تعلیم و ارشاد خود را بگستراند و به حل معضلات علمی در معارف و احکام و اخلاق بپردازد در زمانهای قبل چنین زمینه هایی فراهم نبود و چنین استعداد و قابلیت و شور و هیجانی در مردم نبود؛ و آزادی فکر وجود نداشت. همیشه باید در این گونه امور به اثر کار توجه داشت و می بینیم امام صادق (ع) فرصت ا برای تعلیم و تأسیس کانون علمی مناسب دید، به کار همت گماشت ولی سیدالشهدا(ع) قیام کرد، چرا که در زمان آن حضرت تنها چیزی که مطرح بود، خلافت بود. و خلافت یعنی همه چیز و همچنین احتناق کامل حکمفر ما بود و اگر قیام نمی کرد، باید انزوا را در پیش می گرفت، ولی قیام می کرد و با شهادت، نامش زنده ماند، همان نامی که امام صادق (ع) باعث اساعه آن شد. (کریمان، ۱۳۹۱: ۱۵).

### امام موسی کاظم (ع)

در میان ائمه، موسی بن جعفر بود که به جرم علاقه و توجه به مردم و اعتقاد اینکه او از هارون شایسته تر است، سالها زندانی شد. امام موسی کاظم به جرم حق گوئی و به جرم ایمان و تقوی و علاقه مردم زندانی شد حضرت موسی کاظم دلها را در اختیار می گرفت و به صورت تقیه (شکل مخفیانه و حالت استتاری) عمل می کرد. در زندان از عبادت خسته نمی شود، هارون و دیگران را نفرین نمی کند جز طلب رحمت و مغفرت از خدا برای خودش چیزی بر زبان نمی آورد. به خاطر همین رفتار که زمانی هارون از عیسی می خواست که کار امام را تمام کند عیسی این کار را نکرد، جواب گفت: وی جزء دعا و عبادت کار دیگر انجام نمی دهد و این همان تأثیر گذاشتن بردل را می سازند. (همان: ۱۶).



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### مسئله ولایتعهدی امام رضا (ع)

این نظر که چرا امام رضا (ع) ولایتعهدی را پذیرفت و قیام نکرد وجود دارد، کسانی که ایراد می گیرند، حرفشان این است که امام می بایست تا حد کشته شدن، مقاومت می کرد و ولایت عهدی را نمی پذیرفت. درباره علت های پذیرش ولایتعهدی از طرف امام رضا. فرضیه های مختلفی ارائه شده، که ما با بررسی این فرضیه ها وظیفه امام (ع) را نیز بررسی می کنیم. نظر مشهورترین است که این کار ابتکار خود مأمون بوده است؛ که درباره علت و چگونگی آن چند نظر دارد:

نظر شیخ مفید و شیخ صدوق این است که مأمون در جنگ هایش با امین شکست می خورد و نذر می کند، اگر خلافت را به دست بگیرد؛ آن را به صاحبان اصلی اش بر گرداند و در ابتدا هم با خلوص نیت به امام پیشنهاد ولایتعهدی داد، ولی بعد از کار خود پشیمان شد امام چون می دانست، که او پشیمان می شود و تا آخر عمر بر حرف خود باقی نمی ماند، مخالفت می کرد

. عده ای از متشرقین گفته اند که وی به راستی شیعه بود و تا آخر، حسن نیت داشت، که در این صورت، باید حرف کسانی را قبول کنیم که می گویند حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفتند که این از نظر تاریخی مردود است و علاوه بر این، که واقعاً چنین بود، حضرت باید ولایتعهدی را قبول می کرد؛ در حالی که قبول نکرد و با تهدید مجبور به پذیرش آن شد. احتمال دیگری که با توجه به سخنان امام و عکس العمل ایشان مطرح می شود، این است که ابتکار این کار از خود مأمون بود و از اول هم صمیمیت نداشت و به خاطر سیاست ملک داری، این کار را انجام داد؛ بدین شکل که اولاً نظر ایرانیان را جلب می کرد. زیرا آنها مشتاق علویان بودند و تحت شعار «الرضا من آل محمد» می جنگیدند و مأمون به حضرت لقب رضا داد و اعلام کرد: این، همان است که شما به خاطرش قیام کردید. ثانیاً این کار وی باعث فرونشاندن قیامهای علوی می شد، علویان هر چند وقت یکبار دست به قیامی می زدند.

مأمون برای آن که آنها را راضی کرد، آرام نگه دارد یا لاقط در مقابل مردم خلع سلاح کند، مسئله ولایتعهدی را مطرح کرد تا مانعی باشد برای قیام علویان علیه حکومت؛ ثالثاً مسئله خلع سلاح خود حضرت مطرح است که چون به خود حضرت در دستگاه خلافت مقامی داده شد، وی دیگر نمی تواند از ناراضی مردم علیه دستگاه خلافت استفاده کند و از طرفی این کار موجب خدشه دار شدن چهره امام نزد مردم می شد در بحار الانوار ج ۴۹ آمده است که در روایات ما این مطلب هست، وقتی حضرت به مأمون فرمودند: «من می دانم که تو می خواهی بدین وسیله من را خراب کنی» در مسئله ولایتعهدی از وجهه امام رضا (ع) نیز چند چیز در تاریخ مسلم است: اولاً احضار امام از مدینه به مرو، حالتی است آمرانه و بدون مشورت داشت و مأمون امام را تا وقتی که به مرو رسید از موضوع با خبر نکرد. ثانیاً مسئله ولایتعهدی از سوی امام مطرح نشد، بلکه از جانب

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مأمون بود و امام هم به شدت امتناع می وریدند؛ زیرا می فرمودند: اگر حق توست به چه اجازه ای به ما می دهی و اگر نیست، چرا آن را غضب کردی؟! ثالثاً این که به صورت پیشنهاد نبود، بلکه احضار و اجبار بوده و مأمون، تهدید را با استدلال در هم آمیخت، یعنی وقتی که گفت: کار تو هم مثل کار علی (ع) در شورای شش نفره است، از طرفی استدلال می کرد که چون حضرت سازش کرد پس اشکالی ندارد و از طرفی چون عمر در صورت عدم تصمیم آنها را تهدید به مرگ کرده بود، می خواست بگوید: تو نیز چنین وضعی داری. رابعاً حضرت رضا (ع) شرط کرد که من به این شکل این امر را قبول می کنم، که در هیچ کاری مداخله نکنم که در واقع می خواست مسئولیت کارهای مأمون را تپذیرد و ژست مخالفت را حفظ کند خامساً طرز رفتار حضرت، بعد از مسأله ولایتعهدی قابل توجه است غالباً رسم است که ولیعهد از حاکم تشکر کند، ولی مأمون انتظار داشت که حضرت، تأییدی از او و خلافتش کند؛ ولی در مراسم بیعت، اصلاً چنین نشد و حضرت فرمود «ما حقی داریم و آن خلافت است، شما مردم هم حقی دارید و آن این که خلیفه باید شما را اداره». کندو شما باید حقان را به ما بدهید اگر دادید وظیفه مان را انجام می دهیم، نه تشکری صورت می گیرد نه حرف دیگری مطرح می شود؛ بلکه جو حاکم بر خلاف روح جلسه ولایتعهدی است (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۴).

### اما م حسن عسگری

اما م حسن عسگری (ع) از ائمه ای هستند [که تحت فشار بسیار بودند] چون هر چه که دوران ائمه [به دوره امام عصر (ع) نزدیکتر می شد کار بر آنها سخت تر می گردید]. دوره امامتشان فقط و شش سال طول کشید به نصّ تواریخ، تمام این مدت شش سال یا در حبس بودند یا اگر هم آزاد بودند، ممنوع المعاشره - یا ممنوع الملاقات بودند. از نظر معاشرت آزادی نداشتند، اگر هم احیاناً رفت و آمدهایی می شد یا گاهی حضرت را می خواستند، تحت نظر بودند علت عمده اینکه اینقدر امام شدید تحت نظر بودند، این بود که، دستگاه حکومت می دانست مهدی امت و از صُلب این وجود مقدس ظهور می کند. و می خواستند جلوی امر الهی را بگیرند در هر یک از ائمه گویی، یک خصلت خاص، بیشتر وجود داشته است. ایشان به هیئت و جلالت و حسن منظر ممتاز بودند؛ به طوری که همه تحت تأثیر سیمای حضرت قرار می گرفتند دشمنان و ادار خصنوع می شدند. (مطهری ۱۳۸۴: ۲۱۵-۲۱۷).

### حضرت مهدی (عج)

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت است بر نیروی باطل و ستیزه و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، اسقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

« تعبیر شده است ، اندیشه ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی - با تفاوتها و اخلاقیهای - بدان مومن و معتقدند ؛ زیرا این اندیشه به حسب اصل و ریشه قرآنی است ؛ این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام پیروزی نهایی ایمان اسلامی، غلبه قطع صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه، و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است .

.. درباره حرکت تکاملی تاریخ دو نوع بینش وجود دارد ، نتیجه دو نوع ، تلقی از انسان و هویت واقعی او و استعداد های نهفته اوست بنابر یکی از این دو تلقی انسان در ذات خود فاقد شخصیت انسانی است ، هیچ اصلتی در ناحیه ادارکات و بینشها و گرایش ها ندارد و آنچه اصالت دارد به صورت غریزه در او موجود است جنبه های حیوانی اوست

از این رو انسان موجودی است اسیر منافع مادی ، محکوم جبر و ابزار تولید . وجدانش قضاوتش ، اندیشه اش ، ... جز انعکاسی از شرایط طبیعی و اجتماعی نیست و هدف ویژه ای ندارد . اما مینا بر تلقی فطری از انسان ، انسان موجودی است داری سرشت الهی، مجهز به فطرتی حقیقت جو ، حاکم بر خویشتن و آزاد از جبر و طبیعت بنابر این تلقی از انسان ارزشهای انسانی در انسان اصالت دارد ، یعنی بالقوه به صورت یک سلسله تقاضاها در سرشت او نهاده شده است ، انسان به موجب سرشتهای انسانی خود، خواهان ارزشهای متعالی انسانی است ، و به تعبیر دیگر خواهان حق و حقیقت و عدالت و مکرمتهای اخلاقی است و به موجب نیروی عقل خود می تواند طراح جامعه خود باشد . بدون شک تعبیر و تفسیر قرآن از تاریخ به شکل دوم است . از نظر قرآن مجید ، از آغاز جهان همواره نبردی پیگیر میان گروه اهل حق و گروه اهل باطل ، بوده است ؛ هر فرعونی، موسایی در برابر خود داشته است. از مشخصات انتظار بزرگ بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرائز حیوانی ( آزادی از بلوغ جاهلیت و بلوغ جوانی ) است . خوش بینی به آینده بشریت ، حکومت جهانی واحد ، سازگاری انسان و طبیعت منتفی شدن کامل مفساد اخلاقی از قبیل زنا ، ربا ، شرب خمر ، حیوانات و ...

از دیگر مشخصه های این انتظار می باشد . از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموعه حلقات مبارزات حق و باطل است . ( کریمان: ۱۳۹۱: ۱۷).

### نقش سیره پیامبر و امامان شیعه در پیشرفت تاریخی ایران:

فروپاشی و شکست های سیاسی و نظامی همیشه همراه با زوال و نابودی اجتماعی و فرهنگی نیست. گاهی بر اثر ناکارآمدی حکومت ها وضع حاکمان یک سرزمین نظام سیاسی فرو می ریزد ، اما جامعه و فرهنگ آن سرزمین از چنان قوت و پویایی برخوردارند که می توانند به مسیر خود ادامه دهند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سقوط امپراطوری ساسانی به معنای فروپاشی اجتماعی، فرهنگی و تمدنی جامعه ایرانی نبود، بلکه ایرانیان با پذیرش تدریجی و آگاهانه اسلام، روابط جدیدی از پویایی و شکوفایی را در تمام عرصه های اندیشه، علم، ادب، و غیره را آغاز کردند.

آنان با انتقال میراث فرهنگی و تمدنی خود به دوره اسلامی، موجبات شکل گیری فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی را فراهم کردند. همانطوری که در بالا ذکر شد سیره عملی و نظری پیامبر و ائمه معصومان در پیشرفت اسلام نقش داشته است و نهال تمدن اسلامی ایرانی با توان پیامبر کاشته شد و باموضع گیری های و تدابیر سیره عملی و نظری ائمه به اوج شکوفایی و استواری رسید. اما نقش امامان شیعه بخصوص رفتارشان در پیشرفت تاریخی ایران نمی توان در نظر گرفت. از جمله ولایتعهدی امام رضا رامی توان ذکر نمود که در پیشرفت ایران آن زمانه نقش داشت و باعث جذب ایرانیان زیادی به خودش و همین خشم مامون را برانگیخت و نقشه مسموم کردن امام رضا را طرح ریزی کرد.

### نتیجه گیری

سیره عملی و نظری پیامبر اکرم و معصومان در اسلام یکی از منابع شناخت احکام است، یعنی معصومان غیر از گفته هایشان سیره و روششان نیز منبعی برای شناخت است. همه معصومین (ع) با رفتارهایشان علیه دستگاه ظلم و ستم قیام کردند ولی مشکل مبارزاتی آنها با هم متفاوت بود. بنابر مقتضیات زمان، تفاوتی داشت. یکبار به صورت علنی و دست به شمشیر بردن مانند قیام امام حسین (ع) و یکبار به صورت غیر علنی (تقیه و صلح) مانند امام موسی (ع) و صلح امام حسن صورت می گیرد.

حتی از نظر شیوه زندگی کردن هم تفاوت هایی دیده می شود، حضرت پیامبر و علی (ع) زندگی داشتند ولی سایر ائمه مثلاً امام صادق (ع) عکس آن بزرگواران بود به ظاهر تناقص و تعارض دیده می شود قیام در مقابل سکوت و تقیه صلح، زهد در مقابل تجمل. همان طور که گفته شد، دوره هر معصومی به اقتضای زمان فرق می کرد، در زمان پیامبر (ص) و علی (ع) چون مردم از نظر مالی ضعیف بودند در نتیجه پیشوای آنان نمی توانستند در ناز و تنعم باشند و می بایست مانند سایر مردم زندگی می کردند چون این از اصول عقیده شان بود.

ولی در زمان معصوم دیگر مثلاً دوره امام صادق (ع) دقیقاً عکس آن دوره بود. از سوی دیگر، تمدن پدیده ای به هم تنیده می باشد که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات جهان بینی و اصول اعتقادی و سیره را دربر می گیرد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بی تردید اصول اعتقادی و سیره عملی و نظری پیامبر اکرم شخصیت بزرگ مکتب اسلام و نیز معصومان در گسترش ساختار تمدن اسلامی - ایرانی نقش اساسی و بی بدیل داشته است. به طوری که نهال این درخت تنومند تمدن اسلامی با توان پیامبر اسلام کاشته شد و پایه های آن با هجرت پیامبر اسلام به شهر یثرب مستحکم گردید. تمدنی که فراسوی مرزهای حجاز درنوردید و در شمار دین های جهانی قرار گرفت. و همچنین استواری و شکوفایی این تمدن اسلامی - ایرانی مدیون موضع گیری ها و تدابیر و سیره نظری و عملی معصومان است که با صبر و فداکاری و موعظه و باشهادت و حتی اسارت خود توانستند تحرکی نوین به تمدن اسلامی - ایرانی بخشیده است و آن را به پیش ببرند.

همانطوری که سیره عملی و نظری پیامبر و ائمه معصومان در پیشرفت اسلام نقش داشته است و نهال تمدن اسلامی ایرانی با توان پیامبر کاشته شد و با موضع گیری های و تدابیر و سیره عملی و نظری ائمه به اوج شکوفایی و استواری رسید. اما نقش امامان شیعه بخصوص رفتارشان در پیشرفت تاریخی ایران نمی توان در نظر گرفت. از جمله ولایتعهدی امام رضا رومی توان ذکر نمود که در پیشرفت ایران آن زمانه نقش داشت و باعث جذب ایرانیان زیادی به خودش و همین خشم مامون را برانگیخت و نقشه مسموم کردن امام رضا را طرح ریزی کرد.

### منابع و ماخذ:

قران کریم

روح الله، خمینی. صحیفه امام، ج ۸.

حر عاملی، شیخ محمد حسین. وسایل الشیعه، ج ۷.

شیخ طبرسی. مکارم الاخلاق.

طباطبایی، محمد حسین. سنن النبی. مترجم محمد هادی فقهی.

عروتی موفق، اکبر. ۱۳۸۵. مقاله پیامبر اعظم بنیان گذار تمدن اسلامی. مجله معرفت، شماره ۱۱۰.

کرمیان، هنگامه. (۱۳۹۱). سیره معصومین در آثار استاد شهید مرتضی مطهری.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). جامع السعادات، ج ۲. تهران: جهان آرا.

کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی ج ۳.

کلینی، محمد بن یعقوب. روضه الکافی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). سیری در سیره معصومین، ج ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). سیری در سیره ائمه اطهار، ج ۴۰، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا.

چهارمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

# پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). یادداشت های شهید مطهری، ج ۹، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). سیره نبوی. ج ۵۰. تهران: صدرا.

محمد معین. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

مجلسی، علامه. بحارلانواری، ج ۱۶.

ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.

ویل دورانت. (۱۳۶۸). تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و خشیار دیبهمی، ج ۲، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

هانتینگتن، ساموئل. (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات اسلامی و بین

المللی.

[www.Rasekhoon.net](http://www.Rasekhoon.net)